

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

بی توجه به مردم؛ پیگیر نسخه قاجاری

بعد از متلاشی شدن تفاهم نامه اسلام آباد و همزمان نزدیک شدن انتخابات کنگره آمریکا و تشدید فشارهای اقتصادی ناشی از بحران انرژی در اروپا و آمریکا که متاثر از تنگه هرمز و باب المندب است، موجی مشکوک از سوی برخی از افراد و چهره های سیاسی اصلاح طلب با هدف زمینه سازی برای سازش و تسلیم راه افتاد. جریانی که سعی دارد با عادی جلوه دادن عهدنامه ترکمچای و مقایسه ایران قدرتمند امروز با ایران ضعیف دوره قاجار، فضا را برای تطهیر تسلیم و همچنین افتضاح برجام فراهم کند.

۲



فرمان استمرار تجمعات میدانی

رهبر معظم انقلاب در دیدار با رئیس مجلس شورای اسلامی، با اشاره به نقش مؤثر نمایندگان مجلس در حفظ و تحکیم انسجام اجتماعی و وحدت ملی بر استمرار حضور آگاهانه و بازدارنده ملت مبعوث در تجمعات میدانی تاکید کردند

۲



تناقض ادعای پزشکيان با فرمایشات صریح رهبر شهید درباره مذاکره

۲

نوبنیاد از زمین گیری هواپیماهای MD گزارش می دهد

خانم وزیر پاسخ بدهید

۵



از شکست تا دستاورد سازی

علیرضا تسلیمی
فعال سیاسی

سئوالی که امروز بیش از هر زمان دیگر ذهن هریرانی وطن دوستی را مشغول کرده، چرایی تمرکزپیکان حملات و انتقادات جریان موسوم به اصلاح طلب و رسانه های زنجیره ای آن بر پیکره ای «ایران اسلامی» است. چگونه ممکن است انسان آزاده، پس از تجربه ی خسارت بار تحمیل فشارهای ساختار شکن و جنگ های ناعادلانه در کوران مذاکرات فرساینده ای که مسئولیت آنرا همین جریان بر عهده داشت، شاهد نقض عهد مکرر، توحش افسار گسیخته و ریخته شدن خون فرزندان این مرز و بوم باشد، اما به جای محکوم کردن تجاوز و متجاوز، خنجر انتقاد را از پشت برپیکر مدافع فرو کند؟

متن کامل در صفحه ۳

صفحه ۱۱

سیاست خارجی

صفحه ۴

اقتصادی

جنگ سوم؛ باطل السحرمی خواهد

مجموع تحولات و مواضع چند روز اخیر نشان می دهد نگرانی ملت ایران از تکرار تجربه ده ها بار شکست خورده برجامی و عقب نشینی در حوزه هسته ای، این بار جدی تر مورد توجه مسئولان قرار گرفته است.

بنزین چگونه تراز شد؟

اظهارات معاون رئیس جمهور درباره کمبود بنزین و احتمال افزایش قیمت آن به ۸۷ هزار تومان، موجب افزایش تقاضای هیجانی شد؛ به طوری که میانگین مصرف روزانه بنزین در میانه مرداد به ۱۳۳.۵ میلیون لیتر رسید و صف های جایگاه های سوخت طولانی تر شد.

خبر کوتاه

تاکید رهبر انقلاب
بر استمرار تجمعات میدانی

آقای دکتر محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی با حضرت آیت‌الله‌سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار آخرین تحولات جنگ نظامی، اقتصادی و شناختی دشمن آمریکایی-صهیونی، بررسی و بر تقویت مؤلفه‌های قدرت کشور، نقش مؤثر نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حفظ و تحکیم انسجام اجتماعی و وحدت ملی و استمرار حضور آگاهانه و بازدارنده ملت مبعوث در تجمعات میدانی، اهتمام دولت و مجلس به همکاری در جهت گره‌گشایی از مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و پیشبرد امور مرتبط با شرکای راهبردی کشور تأکید شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در این ملاقات، گزارش‌هایی از فعالیت نمایندگان ملت از شروع جنگ تحمیلی سوم تاکنون و برنامه‌های جاری و آینده مجلس برای حل مسائل و مشکلات کشور را ارائه کرد.

احتمال برگزاری انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در اردیبهشت ۱۴۰۷

معاون سیاسی وزیر کشور گفت: بدون تغییر در قانون اساسی یا مدت چهارساله دوره ریاست جمهوری و مجلس، امکان برگزاری هم‌زمان این دو انتخابات در نیمه نخست اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۷ وجود دارد. زینی‌وند در پاسخ به احتمال تجمیع انتخابات مجلس و ریاست جمهوری، عنوان کرد: بدون تغییر در قانون اساسی یا مدت چهارساله دوره ریاست جمهوری و مجلس، امکان برگزاری هم‌زمان این دو انتخابات در نیمه نخست اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۷ وجود دارد. در این زمینه، نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس شورای اسلامی و اعضای شورای نگهبان را نیز جویا شده‌ایم و هیچ‌یک از این مجموعه‌ها با اصل هم‌زمانی انتخابات مخالفی نداشته‌اند.

معاون سیاسی وزیر کشور بیان کرد: البته این موضوع هنوز قطعی نشده است و برای تحقق آن، باید مجلس طرحی ارائه کند یا دولت لایحه‌ای به مجلس بدهد تا قوانین عادی مربوط به این دو انتخابات اصلاح شود. اگر انتخابات شوراها در سال ۱۴۰۶ برگزار شود، امکان هم‌زمانی آن با انتخابات مجلس وجود ندارد؛ زیرا مجلس باید مستقر باشد تا بتواند بر انتخابات شوراها نظارت کند و نمی‌تواند هم‌زمان انتخابات خود را برگزار کند و بر انتخابات شوراها نیز نظارت داشته باشد.

طرح «تورم صفر» قابلیت تعمیم به سایر کلانشهرها را دارد

عضو کمیسیون شوراها، با تقدیر از اجرای طرح عرضه کالاهای اساسی با قیمت ثابت در میادین میوه و تره‌بار شهرداری تهران، گفت: این طرح قابلیت تعمیم به سایر کلانشهرها را دارد. کامران پولادی، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس در ارزیابی اجرای طرح «تورم صفر» شهرداری تهران و عرضه کالاهای اساسی با قیمت ثابت تا پایان سال، گفت: پس از جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، شهرداری تهران اقدامات خوبی در زمینه بازسازی و بهسازی انجام داد که شایسته تقدیر است و دولت نیز از این اقدامات حمایت کرد. وی اظهار کرد: پس از این اقدامات، اجرای طرح عرضه کالاهای اساسی با قیمت ثابت و بر مبنای قیمت‌های واقعی، اقدام جدید و قابل توجهی از سوی شهرداری تهران بود که به نظر من، کار جدید و بسیار خوبی است.

نوبنیاد، تلاش برخی چهره‌ها و جریان‌های سیاسی برای توجیه سازش از مسیر عادی‌سازی عهدنامه ترکمانچای را بررسی می‌کند

بی‌توجه به مردم؛ پیگیر نسخه قاجاری

اصلاح‌طلب با هدف زمینه‌سازی برای سازش و تسلیم راه افتاد. جریانی که سعی دارد با عادی‌جوده‌دادن عهدنامه ترکمچای و مقایسه ایران قدرتمند امروز با ایران ضعیف دوره قاجار، فضا را برای تظہیر تسلیم و همچنین اف‌ت‌ض‌اح بر‌ج‌ام فراهم کند.

بعد از متلاشی شدن تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و هم‌زمان نزدیک شدن انتخابات کنگره آمریکا و تشدید فشارهای اقتصادی ناشی از بحران انرژی در اروپا و آمریکا که متأثر از تنگه هرمز و باب‌المندب است، موجی مشکوک از سوی برخی از افراد و چهره‌های سیاسی



جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

ترامپ دیدار کند.

علاوه بر این، حسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، که سال‌هاست پیرامون مناسبات اقتصادی او و ارتباطاتش با خاندان هاشمی ابهاماتی مطرح است، طی اظهاراتی با هشدار درباره احتمال وقوع جنگ سوم، خطاب به مسئولان عالی‌رتبه گفته است: «مسئولان برای جلوگیری از جنگ سوم مطلقاً حق هیچ‌ریسکی ندارند». وی در بخشی دیگر از اظهارات خود، مذاکره را راه نجات مردم ایران قلمداد کرده و مدعی شده بود: «مسئولان کشور باید اولویت‌بندی کنند و متناسب با شرایط امروز ایران، برای نجات مردم، حفظ دستاوردها و استقلال کشور، تصمیمات مهم و سخت بگیرند». البته اوج توجیهات مرعشی در تسلیم شدن ایران آنجا بود که به ماجرای توافق شاه عباس صفوی با عثمانی اشاره کرد. وی مدعی شد: «پادشاهی که با تهدیدهای عثمانی در غرب ازبک‌ها در شرق و پرتغالی‌ها در جنوب مواجه بود. به جای درگیری هم‌زمان با همه دشمنان، اولویت‌بندی کرد و برای تمرکز بر جبهه شرقی ابتدا با عثمانی‌ها آتش‌بس کرد و حتی تا تبریز عقب نشست. شاه عباس پس از تثبیت موقعیت ایران در شرق به مقابله با عثمانی‌ها بازگشت و در ادامه پرتغالی‌ها را نیز از جنوب کشور بیرون راند.» وی با اشاره به همین ماجرا نتیجه‌گیری می‌کند: «هر تدبیر سیاسی و نظامی و هر عقب‌نشینی تاکتیکی که لازم باشد باید انجام شود».

البته اینگونه اقدامات مشکوک جریان‌سازی و تلاش‌ها مبنی بر عادی‌سازی تحمیل یک ترکمنچای دیگر بر کشور با واکنش‌هایی

از سوی برخی از چهره‌های سیاسی و کارشناسان جبهه انقلاب همراه بود.

حراج هرمز با ال‌گوبرداری از ترکمنچای

محمد مخبر در نشست «ایران مستقل و مقتدر: ظرفیت‌ها، چالش‌ها و راهبردها» در واکنش به اظهارات ظریف اظهار کرد: بعضی از این آقایان می‌گویند امتیازاتی که در قصبه ترکمانچای دادند برای این بود که بقیه کشور از بین نرود؛ اگر یک مقدار ادامه می‌دادیم، بقیه کشور هم از دست می‌رفت؛ همان‌طور که بعضی‌ها الان می‌گویند تنگه هرمز را بدهیم که بقیه کشور از دست نرود.»

تظہیر ترکمنچای با هدف تظہیر برجام

علاوه بر این، فؤاد ایزدی، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی و بین‌الملل، در واکنش به رویکرد اخیر جریان سازش در خصوص علم کردن ماجرای عهدنامه ترکمنچای اظهار کرد: «به نظر می‌رسد بعضی از این آقایان به دنبال عادی‌سازی توافق‌هایی شبیه ترکمانچای هستند تا عملکرد خود در دوره مسئولیتشان نیز به‌نوعی تظہیر شود. این ذهنیت وجود دارد که سیاست‌کشور باید در همین چارچوب دنبال شود» ایزدی با تأکید بر نفوذ ظریف در سیاست خارجی کشور اظهار کرد: «در حال حاضر، نفوذ آقای ظریف در سیاست خارجی کشور، اگر بیشتر از دوران وزارتش نباشد، کمتر نیست. البته امیدواریم این وضعیت تغییر کند، اما نفوذ او همچنان بسیار گسترده است.»

سیاسی

تناقض ادعای پزشک‌یان با فرمایشات صریح رهبر شهید درباره مذاکره

مسعود پزشک‌یان روز گذشته طی سخنانی با اشاره به مقطع پیش از جنگ رمضان گفته‌است: در مقطعی به یاد دارم بحث می‌کردند که با آمریکایی‌ها گفت‌وگو نمی‌کنیم، بارها در صداوسیما نیز سخنرانی رهبر شهیدمان را پخش می‌کردند که می‌فرمودند با آمریکا گفت‌وگو نمی‌کنیم، در همان زمان به محضر رهبر عزیزمان رسیدیم، سیاست و نگاه ایشان این بود که باید از وضعیت (نه جنگ، نه صلح) خارج شویم؛ زیرا این وضعیت، بدترین شرایطی است که اکنون در آن گرفتار شده‌ایم. وی افزود: «وقتی که به محضر ایشان رسیدیم و روند امور را تشریح و درخواست راهنمایی کردیم، گفت‌وگو کردیم و ایشان دستور دادند که بروید و مساله را حل کنید، در آخرین پیامی نیز که درباره این گفت‌وگوها صادر فرمودند، تأکید کردند که مساله را به‌طور کامل حل کنیم.» اشاره رئیس دولت به اصرار خود برای انجام مذاکره در مقطع قبل از جنگ رمضان و انتساب موضعی به رهبر شهید در حالی است که قائد شهید مهرماه سال گذشته و در اقدامی کم‌سابقه زمانی که رئیس‌جمهور در مجمع سازمان ملل در آمریکا حضور داشت، در یک سخنرانی تلویزیونی مخالفت

صریح خود با مذاکره با آمریکا را اعلام کرده بودند. رهبر شهید در این سخنرانی تاریخی فرمودند: در وضع کنونی، مذاکره با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی‌کند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد... ثانیاً بعکس، زیان‌هایی هم بر آن مترتب است. یعنی سود که ندارد هیچ، مطلب دوم این است که مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور دارد که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران‌ناپذیر هستند؛ یک چنین زبان‌هایی هم دارد.



گزارش نوبنیاد از ۴ دلیل حقوقی برای خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

وقت عبور از ان‌پی‌تی

حمزه خسروی

پژوهشگر حقوق عمومی

«پیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» مشتمل بر یک مقدمه و ۱۱ ماده در تاریخ ۱۰ تیرماه ۱۳۴۷ به امضای حکومت وقت ایران رسید و با تصویب آن در مجلس ملی و سنادر سال ۱۳۴۸ لازم‌الاجرا شد. بررسی مفاد و ساختار پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) نشان می‌دهد که این معاهده با چالش‌های جدی در حوزه برابری حقوقی و اجرایی مواجه است. تقسیم دولت‌ها به «دارنده‌ی سلاح هسته‌ای» و «فاقد آن» در حالی که است که امتیازات و تعهدات این دو دسته کاملاً نامتوازن است و موجب شده که کارآمدی این پیمان مورد تردید جدی قرار گیرد. علاوه بر این، ابزارهای نظارتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که وظیفه راستی‌آزمایی را برعهده دارد، به دلیل سیاسی شدن فرایندهای تصمیم‌گیری به‌ویژه در شورای حکام، موجب بی‌اعتمادی کشورهای غیرهسته‌ای شده است.

از سوی دیگر، حق خروج از معاهده و امکان تعلیق تعهدات بر مبنای نقض اساسی مفاد آن، اگرچه در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده، اما در عمل با فشارهای سیاسی شدید از سوی قدرت‌های بزرگ مواجه است که امکان بهره‌برداری برابر کشورهای این حقوق را محدود می‌سازد. تجارب کشورهای مانند کره شمالی، ایران و سوریه نشان می‌دهد که NPT به جای آنکه ابزاری برای صلح و امنیت جهانی باشد، به ابزاری برای حفظ انحصار و اعمال فشار سیاسی قدرت‌های غربی تبدیل شده است. تجربه نشان داده است که قدرت‌های غربی هرگاه از طریق فشارهای سیاسی نمی‌توانند اهداف خود را محقق کنند یا توسل به ابزارهای حقوقی و برخی سازمان‌های بین‌المللی تلاش می‌کنند اهداف خود را محقق کنند. معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز از این موضوع مستثنی نیست و در موارد متعددی این اتفاق رخ داده است.

خلاصه آنکه به دلایل مبسوط حقوقی و سیاسی زیر مبنا و ماهیت پیمان NPT دارای اشکالات اساسی زیراست و باقی ماندن در آن اشتباهی فاحش است.

سیاسی بودن مبنا، ماهیت و اجرای پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)

مفهوم عدم اشاعه اساساً مفهومی است که ابرقدرت‌های جهانی که خود به سلاح هسته‌ای دست یافته بودند مطرح کرده و آن را توسعه دادند. زمانی که برخی قدرت‌های دارای حق و تو در شورای امنیت آزمایش‌های هسته‌ای خود را انجام دادند درصدد جلوگیری از دستیابی و انتقال فناوری سلاح هسته‌ای به سایر کشورها برآمده و در این راستا تلاش کردند مقررات و پیمان‌هایی را در سطح بین‌المللی ایجاد کنند. این تلاش‌ها از سال ۱۹۴۵ توسط آمریکا آغاز شد و پس از مدتی با همراهی شوروی ادامه یافت و سرانجام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۵۷ تأسیس شد و پس از مدتی نیز پیمان منع اشاعه در سال ۱۹۶۷ به تصویب رسید. از ویژگی‌های مهم پیمان منع اشاعه سیاسی بودن آن است. به این معنا که عمدتاً بازتاب منافع قدرت‌های بزرگ و ابرقدرت‌ها در کنترل تسلیحات در دوران جنگ سرد و حفظ کارآمدی بازدارندگی استراتژیک هسته‌ای می‌باشد.

زیرا عامل اصلی ثبات در دوره جنگ سرد قدرت بازدارندگی سلاح‌های هسته‌ای و نابودی متقابل بود. یعنی چون قدرت‌های بزرگ مطمئن بودند قدرت تخریب سلاح‌های هسته‌ای بسیار بالا است. لذا ترس از بکارگیری آنها نوعی بازدارندگی نسبت به یکدیگر ایجاد می‌کرد. اگر سایر دولت‌ها هم به سلاح هسته‌ای دست می‌یافتند اثربخشی این سلاح‌ها کاهش می‌یافت، از همین رو توافقی ضمنی میان دوا بر قدرت (شوروی و آمریکا) وجود داشت که از گسترش سلاح‌های هسته‌ای جلوگیری کنند و از این منظر هدف اصلی معاهدات مختلف خلع سلاح، حفظ وضعیت برتر ابرقدرت‌ها بوده و هست.

نابرابری شکلی و اساسی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)

یکی از مهمترین ویژگی‌های پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) تفکیک و تعمیم کشورها به «دارا» و «ندار» از نظر بهره‌مندی از سلاح هسته‌ای است (ماده ۱۱) و «۲» معاهده NPT. همان‌گونه که ذکر شد هدف اصلی کشورهای آمریکا، انگلستان و شوروی از تدوین این معاهده انحصار تسلیحات هسته‌ای بود. اما با هدف همراهی کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای تسهیلاتی جهت انتقال تکنولوژی هسته‌ای به کشورهای دیگر پیش‌بینی کردند (ماده «۴» معاهده)، اما در عمل انتقال این‌گونه تکنولوژی‌ها نیز کاملاً ماهیت سیاسی یافت. براساس ماده

(۹) پیمان (NPT)، شوروی، انگلستان و آمریکا به عنوان امین معرفی شده‌اند!! و براساس بند (۳) ماده (۹) نیز شیوه‌ای بدیع برای لازم‌الاجرا شدن پیمان پیش‌بینی شده است و تداوم حیات معاهده را منوط به اراده انحصاری سه دولت مذکور می‌داند!! و تنها حقی که برای اکثریت کشورهای شناخته شده است بر مبنای ماده (۱۰) خروج از پیمان است که در ادامه بحث خواهد شد. همچنین بر مبنای ماده (۸) برای هرگونه تجدید نظر احتمالی در معاهده موافقت کشورهای انگلیس، آمریکا و شوروی ضروری دانسته شده است!!.

معاهده ان. پی. تی از نظر امکان تجدید نظر در مفاد آن، یکی از مشکل‌ترین معاهدات به حساب می‌آید، زیرا علاوه بر کسب نظر موافق اکثریت اعضا، هر سه دولت امین باید با آن موافق باشند. بدین ترتیب، برخلاف سایر معاهدات که عمدتاً در آنها برگزاری کنفرانس‌ها، تشکیل گروه کاری، بررسی طرح‌های مختلف، رای‌گیری، یا تصویب بدون رای‌گیری پیش‌بینی می‌شود، در این معاهده سازوکارها به گونه‌ای ترسیم شده که تمامی اعضا دارای حقوق برابری نیستند و عملاً آمیدی به بازنگری و اصلاح این معاهده در آینده به دلایل حقوقی و سیاسی واهی است.

نابرابری حقوق و تعهدات در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)

این پیمان از ابتدای شکل‌گیری در معرض تفسیرهای گوناگونی قرار داشته است. اصلی‌ترین دلیل مباحث مطروحه در خصوص این پیمان، بحث در مورد ناعادلانه بودن این پیمان از نظر حقوق و تکالیف است. این پیمان دولت‌های جهان را به دو دسته‌ی هسته‌ای و غیرهسته‌ای تقسیم می‌نماید. این در حالی است که دولت‌های هسته‌ای از امتیازات ویژه‌ای در این پیمان برخوردار شده‌اند و دولت‌های غیرهسته‌ای موظف شده‌اند از به دست آوردن و تحقیق در مورد کاربرد نظامی انرژی هسته‌ای خودداری نمایند. (مواد ۲، ۳ و معاهده برای اساس دولت‌هایی که در زمان انعقاد این معاهده از سلاح هسته‌ای برخوردار بوده و این امر صورت علنی یافته را «دولت‌های دارنده سلاح هسته‌ای» شمرده‌اند. از این رو، سایر دولت‌ها اگر پس از این مقطع تاریخی به چنین سلاح‌هایی دست یابند نمی‌توانند از امتیازات و مزایای شناخته شده برای دولت‌های دسته‌ی اول بهره‌مند شوند. به عبارت دیگر، تنها پنج قدرت هسته‌ای دارای حق و تو که تا سال ۱۹۶۷ به این سلاح دست یافته‌اند، دارنده‌ی مشروع سلاح هسته‌ای تلقی می‌شوند و سایر دولت‌ها حتی اگر سلاحی نیز به دست آورند، مشمول معاهده ان. پی. تی خواهند بود. بدین ترتیب، وضعیت حقوقی دولت‌ها، در پرتو وضعیت توانمندی هسته‌ای آنان ارزیابی نخواهد شد. این معاهده از معدود مواردی است که در حقوق بین‌الملل معاهده‌ای با حقوق و تعهدات متفاوت

برای اعضای آن پدید می‌آید.

همچنین تعهدات و مسئولیت‌های اعضا نیز یکسان نیست. بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین تعهد اعضای غیرهسته‌ای عبارت است از چشم‌پوشی از دستیابی به سلاح هسته‌ای در ازای دریافت کمک‌هایی برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای توسط کشورهای که تکنولوژی هسته‌ای را در اختیار دارند. از سوی دیگر مهم‌ترین تعهد اعضا هسته‌ای عبارت است از تلاش برای کاهش زرادخانه‌های هسته‌ای در بلند مدت و حرکت به سوی خلع سلاح مطابق ماده (۶) پیمان. خلاصه آنکه این پیمان دولت‌های جهان را به دو دسته هسته‌ای و غیرهسته‌ای تقسیم کرده است و این در حالی است که دولت‌های هسته‌ای از امتیازات ویژه‌ای در این پیمان برخوردار شده‌اند و دولت‌های غیرهسته‌ای موظف شده‌اند از به دست آوردن و تحقیق در مورد کاربرد نظامی انرژی هسته‌ای خودداری کنند. این امر اکنون به موضوع غنی‌سازی نیز بسط داده شده است و کشورهای غربی به این بهانه که اصل غنی‌سازی مقدمه‌ای کاربردی نظامی است، برای برخی کشورهای محدودیت ایجاد می‌کنند که نمونه‌ی عینی آن جمهوری اسلامی ایران است.

حق مشروط برخورداری از انتقال تکنولوژی هسته‌ای

ماده (۴) پیمان در جهت انتقال تکنولوژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز تدوین شده است. قسمت اول ماده حق غیرقابل تقویض (لاینفک) دولت‌ها در بهره‌مندی از تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز را تأیید می‌کند. حق بهره‌مندی از تکنولوژی و رهاوردهای علمی در حقوق موضوعه هیچ‌گاه مورد تردید یا انکار قرار نگرفته است و حق فطری نیز شناسایی حق حیات ملت‌ها و حق توسعه را تأیید می‌کند. از این رو، قسمت اول ماده (۴) پیمان هیچ چیزی به دولت‌های فاقد انرژی واگذار نمی‌کند تا به نحوی معادل یا عرض مواد یک، دو و سه قرار گیرد. بند دوم ماده (۴) ناظر به تعهدات طرفین معاهده در خصوص ایجاد تسهیلات و مشارکت در حد امکان در زمینه تبادل تجهیزات، مواد و اطلاعات علمی و تکنولوژیکی است که برای استفاده صلح‌آمیز از اتم مفید است. این بند نیز، همانند بند «ا» ماده (۴)، تعهد خاصی به عهده کشورهای دارنده نمی‌گذارد. عبارات این بند به نحوی تدوین شده که عمدتاً ناظر به همکاری داوطلبانه هسته‌ای و حداکثر، تعهد اخلاقی آنها در همکاری‌های احتمالی آتی است که در عالی‌ترین حد خود، تعهدی است که نه سازوکاری برای نظارت بر حسن اجرای آن تعهد و نه ضمانت اجرایی برای آن پیش‌بینی شده است. خلاصه آنکه به دلایل مذکور اساساً امکان اصلاح معاهده NPT و یا استفاده‌ی مفید از آن برای کشورهای همچون جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد و ماندن در این معاهده به جز افزایش تعهدات و الزامات کشور، نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت.

یادداشت

از شکست تا دستاوردسازی

علیرضا تسلیمی
فعال سیاسی

سئوالی که امروز بیش از هر زمان دیگر ذهن هریرانی وطن‌دوستی را مشغول کرده، چرایی تمرکزپیکان حملات و انتقادات جریان موسوم به اصلاح طلب و رسانه‌های زنجیره‌ای آن بر پیکره‌ی «ایران اسلامی» است. چگونه ممکن است انسان آزاده، پس از تجربه‌ی خسارت‌بار تحمیل فشارهای ساختارشکن و جنگ‌های ناعادلانه در کوران مذاکرات فرساینده‌ای که مسئولیت آنرا همین جریان بر عهده داشت، شاهد نقض عهد مکرر، توحش افسارگسیخته و ریخته شدن خون فرزندان این مرز و بوم باشد، اما به جای محکوم کردن تجاوز و متجاوز، خنجر انتقاد را از پشت برپیکر مدافع فرو کند؟

این جریان که بام تا شام مشغول پایکوبی و تراشیدن دستاوردهای خیالی از نعش بی‌جان تفاهم‌نامه‌ای ناکارآمد است، به دنبال تحمیل چه کسانی است؟ افکار عمومی؟ تصمیم‌گیرندگان کلان کشور؟ و یا هدف آن، گشودن مفری امن برای فرار سیاسی بنیان و طراحان این «پوچ‌نامه» از محضر تاریخ است؟

تفاهم‌نامه‌ای که به گواه اسناد رسمی وزارت امور خارجه، بیش از چهل بار توسط عهدشکنان نقض شد و علاوه بر خسارت‌های عظیم راهبردی، باب توهین‌های گستاخانه‌ی مقام‌های ارشد آمریکا علیه ملت بزرگ و تمدن چند هزارساله ایران را گشود، چه دستاوردی برای کشور داشته است؟ چه منطقی توجیه می‌کند که مدافع مظلوم، هدف پر خاش و تنها چم مدامو این تریبون‌ها قرار گیرد، اما در برابر خوی استکباری و تهاجم ظالم، زبان در کام کشیده و سکوت پیشه شود؟ شگفت‌آورتر آنکه، رسانه‌های همسو با این جریان، برای رئیس‌جمهور متجاوز آمریکا چنان رپرتاژ می‌روند که هر ناظر بی‌غرضی گمان می‌کند آنان بخش رسانه‌ای ستاد انتخاباتی واشینگتن هستند! همان کسی که بی‌اعتباری امضا و وعده‌هایش، امروز سوژه‌ی استهزا حتی در میان هم‌پیمانان سنتی غربی‌اش شده است. امروز جامعه‌ی ایران بیش از هر زمان دیگر به این خودآگاهی رسیده است که مسئله‌ی این جریان، نه «منافع ملی»، بلکه «تلاش برای بقای سیاسی» به قیمت پایمال کردن عزت کشور است. کسانی که روزگاری با تکیه بر سراب وعده‌های دشمن، کشور را معطل نگه داشتند، امروز موظفند پاسخگوی کارنامه‌ی خود باشند؛ نه آنکه با فرافکنی و وارونه‌نمایی، نقشی قربانی و جلاد را جابه‌جا کنند. تاریخ این مرز و بوم، هیچ‌گاه حافظه‌ی ضعیفی در برابر توجیه‌گران تجاوز نخواهد داشت.

خبر کوتاه

«غلامحسین کرباسچی» مجرم شناخته شد

اکبر نصراللهی، سخنگوی هیات منصفه دادگاه‌های سیاسی و مطبوعاتی اعلام کرد: اعضای هیأت منصفه، «غلامحسین کرباسچی» مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن را با اکثریت آراء مجرم شناخت و مستحق تخفیف مجازات ندانست. اتهامات «غلامحسین کرباسچی» «مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن، ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد می‌کند (مطلب منتشرشده در شماره ۲۵ دی ۱۴۰۴، با عنوان «از دی ۵۷ تا دی ۱۴۰۴»، نشر اکاذیب و مطلب خلاف واقع (مطلب منتشرشده در شماره ۹۸۰ روزنامه هم‌میهن با عنوان «محکومیت بازداشت کودکان و نوجوانان»، مطلب مندرج در شماره ۹۷۸، مورخ ۲۰ دی ۱۴۰۴، با تیتیر «زمان انتخاب تاریخی برای اصلاح طلبان» و متن منتشرشده در شماره ۹۷۶، در تاریخ ۱۷ دی ۱۴۰۴، با عنوان «وقتی حریم درمان شکسته می‌شود») و تشویق افراد به ارتکاب اعمال برخلاف امنیت ملی (مطلب مورخ ۱۷ دی ۱۴۰۴، شماره ۹۷۶ پرونده، با عنوان «وقتی حریم درمان شکسته می‌شود» و مطلب منتشرشده در شماره ۶۷۴ پرونده، ۱۵ دی ۱۴۰۴، با عنوان «احزاب و اعتراض‌ها») می‌باشد.

گوشت مرغ ۳۵۰ هزار تومانی؛ گرانی ادامه دارد؟



قیمت مرغ طی دو هفته اخیر با افزایش چشمگیر، از حدود ۲۸۰ هزار تومان به بیش از ۳۵۰ هزار تومان در هر کیلو رسیده است؛ افزایشی حدود ۷۰ هزار تومانی که باز دیگر نگرانی‌ها درباره هزینه تأمین یکی از اقلام اصلی سفره خانوار را افزایش داده است. در حالی که مرغ به دلیل قیمت پایین تر نسبت به گوشت قرمز، جایگاه مهمی در سبد مصرفی خانوارهای کم درآمد دارد، رشد هزینه‌های تولید و احتمال افزایش دوباره قیمت، فشار بیشتری بر معیشت خانوارها وارد می‌کند. اتحادیه‌های مرغداران، افزایش هزینه نهاده‌های دامی را از عوامل اصلی این گرانی می‌دانند و معتقدند پس از حذف ارز ترجیحی، قیمت نهاده‌ها تا ۵۰ برابر افزایش یافته است. در همین زمینه، غلامرضا نوری قزلبه، وزیر جهاد کشاورزی دیروز در حاشیه نمایشگاه دام و طیور، گفت:

بر اینکه رقم نهایی هنوز مشخص نشده است، افزود: بخشی از افزایش احتمالی قیمت به تغییر هزینه‌های تولید مربوط می‌شود، اما تا زمانی که بررسی‌ها نهایی نشده، نمی‌توان عدد دقیقی اعلام کرد. وزیر جهاد کشاورزی از افزایش تولید محصولات دامی و طیور در سال گذشته خبر داد و اعلام کرد: تولید گوشت مرغ پنج درصد رشد داشته است. با این حال، رشد تولید به تنهایی مانع افزایش قیمت نشده و اکنون هزینه نهاده‌ها به یکی از عوامل تعیین کننده بازار تبدیل شده است. در کنار گرانی مرغ، تعیین نشدن نرخ خرید تضمینی گندم برای سال زراعی جدید نیز همچنان ادامه دارد. نوری در این باره گفت: جلسات تعیین نرخ بیش از سه ماه است که برگزار می‌شود، اما اعضای شورای قیمت گذاری هنوز درباره رقم نهایی به توافق نرسیده‌اند.

نوبنیاد با اشاره به بی‌نیاز از واردات بنزین بررسی کرد:

بنزین چگونه تراز شد؟

بنزین نیست و ذخایر راهبردی کشور رو به اتمام است. مردم با باید با صف‌های طولانی و خاموشی جایگاه مواجه شوند و یا گرانی بنزین، آن هم به نرخ وارداتی ۸۷ هزار تومان را بپذیرند. این جملاتی است که اسماعیل سقاب‌اصفهانی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، در مردادماه امسال بارها اعلام می‌کرد؛ سخنانی که در آن زمان باعث افزایش مصرف بنزین در کشور شد. بر اساس آمار مصرف، این فراورده نفتی افزایش یافت، به طوری که مجموع مصرف بنزین در اواسط مرداد امسال (۱۲ تا ۱۶ مرداد) به حدود ۶۶۸ میلیون لیتر با میانگین مصرف روزانه ۱۲۳ میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر رسید. همان زمان اعلام شد حدود یک سوم سوخت‌گیری‌های کشور ۱۰ لیتر بوده و همین امر باعث افزایش صف جایگاه‌های سوخت در کشور شده بود. در واقع، افراد برای پرتنگ داشتن باک‌های خودرو به جایگاه مراجعه می‌کردند و نیازی به بنزین نداشتند.

بهینه‌سازی مصرف سوخت و شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی، خواستار روشن شدن مبنای این تفاوت‌هاست. او گفت: دیوان محاسبات در همان دوره درباره اطلاعات ارائه شده از سوی معاون رئیس‌جمهور پرسش‌هایی مطرح کرده بود. حسینیان با انتقاد از شیوه تصمیم‌سازی در حوزه اقتصاد، این مسئله را به تجربه‌های گذشته در زمینه ارز ترجیحی نیز مرتبط دانست و گفت: مقامات ارشد باید درباره مبنای گزارش‌هایی که به تصمیم‌های مهم اقتصادی منجر می‌شوند، اطمینان بیشتری حاصل کنند. زیرا هشدارها بدون پشتوانه آماری روشن می‌توانند نگرانی ایجاد کنند و بر رفتار اقتصادی جامعه اثر بگذارند.

کاهش مصرف؛ نتیجه سیاست‌های غیر قیمتی

یکی از مهم‌ترین ابعاد این تحول، نقش سیاست‌های غیر قیمتی در مدیریت مصرف بنزین است. در ماه‌های گذشته، اقداماتی مانند رایگان شدن استفاده از گاز طبیعی فشرده (CNG) و رایگان شدن حمل و نقل عمومی در تهران مطرح شده‌اند؛ اقداماتی که هدف آن‌ها کاهش استفاده از بنزین و فراهم کردن امکان جایگزینی برای بخشی از سفرها بوده است. بر اساس اظهارات محمدصادق عظیمی‌فر، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی، کاهش ۷ درصدی مصرف بنزین از عوامل مؤثر در کاهش نیاز به واردات در نیمه دوم سال است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت تقاضا سهم مهمی در بهبود تراز بنزین داشته است. برای درک اثربراین کاهش، کافی است ارقام اعلام شده درباره تولید و مصرف را کنار یکدیگر قرار دهیم. اگر تولید روزانه حدود ۱۲۲ میلیون لیتر و مصرف حدود ۱۳۲ میلیون لیتر باشد، فاصله این دو رقم ۱۰ میلیون لیتر در روز خواهد بود. کاهش ۷ درصدی مصرف از سطح ۱۳۲ میلیون لیتر، معادل حدود ۹ میلیون و ۲۴۰ هزار لیتر در روز است؛ رقمی که تقریباً با فاصله اولیه تولید و مصرف برابری می‌کند. در نهایت، مسئله فقط این نیست که بنزین وارد می‌شود یا نه؛ مسئله این است که تصمیم‌های مهم اقتصادی بر پایه چه داده‌هایی گرفته می‌شوند و هشدارهای رسمی تا چه اندازه دقیق و مسئولانه‌اند. اگر مدیریت مصرف توانسته است بدون افزایش شدید قیمت، نیاز وارداتی را رفع کند، باید سازوکار موفقیت آن روشن شود و تداوم یابد. در مقابل، اگر هشدارهای قبلی برآورد دقیقی از وضعیت واقعی عرضه و تقاضا نبوده‌اند، نهادهای نظارتی باید علت اختلاف‌ها را بررسی کنند.

برای مشخص شدن ابعاد این تحول، باید آمار تولید و مصرف در دوره‌های مختلف و جزئیات کاهش واردات به صورت شفاف منتشر شود. این در حالی است که ۲۲ مهرماه، رئیس‌جمهور اعلام کرده بود اگر کمک دستگاه‌ها برای مدیریت مصرف بنزین نبود، همچنان باید بنزین وارد می‌کردیم که هزینه ۸ میلیارد دلاری را در برداشت.

چه کسی گزارش کمبود بنزین را ارائه کرده بود؟

امیرحسین تقوی‌پور، پژوهشگر اقتصاد، با اشاره به تغییر موضع درباره وضعیت بنزین، معتقد است این تحول باید زمینه بررسی گزارش‌هایی را فراهم کند که در مردادماه مبنای هشدارهای جدی قرار گرفته بودند. او می‌گوید اگر مسئله واردات بنزین اکنون حل شده باشد، باید بررسی کرد که این نتیجه از افزایش تولید حاصل شده یا کاهش مصرف. به گفته او، رئیس‌جمهور اعلام کرده است که دیگر نیازی به واردات نیست؛ بنابراین، روشن شدن سهم افزایش تولید و مدیریت تقاضا در این تحول اهمیت دارد. این پژوهشگر اقتصاد با انتقاد از نحوه طرح هشدارها در مردادماه تأکید کرد که در شرایط جنگی، انتشار مطالبی درباره پایان ذخایر، نبود بنزین و ضرورت عرضه آن با نرخ ۸۷ هزار تومان اثر گذاشت. در واقع، هنگامی که مسئولان از کمبود قریب‌الوقوع سوخت یا ضرورت تغییرات شدید قیمتی سخن می‌گویند، این پیام می‌تواند رفتار مردم را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین، پیش از انتشار چنین هشدارهایی باید مبنای آماری آن‌ها روشن و پیامدهای احتمالی‌شان ارزیابی شود.

آمارهای متفاوت باید بررسی شود

جواد حسینیان، عضو اتاق بازرگانی ایران، نیز با اشاره به صف‌های طولانی بنزین در مردادماه، معتقد است تغییر سریع فضای عمومی از هشدار کمبود به اعلام بی‌نیازی از واردات، ضرورت پاسخ‌گویی مسئولان را برجسته می‌کند. او می‌گوید: در آن مقطع، در کنار هشدارهای مربوط به کمبود بنزین، برخی جریان‌های رسانه‌ای بر ضرورت آزادسازی قیمت‌ها تأکید می‌کردند، اما اکنون رئیس‌جمهور از برطرف شدن نیاز وارداتی سخن می‌گوید. از نظر حسینیان، پرسش اصلی این است که اطلاعات مربوط به کمبود بنزین از کجا آمده بود و چرا میان برخی آمارهای اعلام شده درباره تولید و مصرف اختلاف وجود داشت. این فعال اقتصادی با اشاره به اختلاف ارقام منتشر شده از سوی سازمان



نیما سهیلی

روزنامه نگار

حالا بنزین در فاصله‌ای کوتاه از یک بحران قریب‌الوقوع به نمونه‌ای از امکان مدیریت مصرف تبدیل شده است. مردادماه امسال، هشدارها درباره کمبود این فراورده نفتی به اوج رسید؛ از احتمال پایان ذخایر راهبردی و شکل‌گیری صف‌های طولانی در جایگاه‌ها سخن گفته می‌شد و حتی عرضه بنزین با نرخ وارداتی حدود ۸۷ هزار تومان به عنوان یکی از سناریوهای پیش‌رو مطرح بود. اکنون اما مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، اعلام کرد که کشور دیگر نیازی به واردات بنزین ندارد و با مدیریت مصرف، از هزینه‌ای معادل ۱۲ میلیارد دلار جلوگیری شده است. این تغییر تصویر، پرسش مهمی را پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد: اگر با مدیریت مصرف می‌شد از واردات بنزین جلوگیری کرد، هشدارهای مردادماه بر چه اطلاعاتی استوار بود و چرا در آن مقطع، افکار عمومی با سناریوهایی مانند پایان ذخایر و عرضه بنزین ۸۷ هزار تومانی مواجه شدند.

از هشدار کمبود تا اعلام بی‌نیازی از واردات

در میانه مردادماه، اسماعیل سقاب‌اصفهانی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی، از ضرورت کاهش مصرف بنزین متناسب با میزان تولید سخن می‌گفت. او با اشاره به شرایط جنگی و محدودیت‌های موجود، کسری روزانه بنزین را حدود ۱۴ تا ۱۵ میلیون لیتر اعلام کرده بود. در همان مقطع، سه سناریو برای مدیریت این وضعیت مطرح شد که شامل محدودسازی عرضه به میزان تولید داخلی، عرضه بنزین آزاد با نرخ حدود ۸۷ هزار تومان و اختصاص سهمیه بنزین به هرکد ملی بود. حدود دو ماه پس از اوج‌گیری این هشدارها، رئیس‌جمهور از توقف نیاز به واردات بنزین خبر داده است. مسعود پزشکیان ۲۶ مهرماه در جلسه شورای اطلاع‌رسانی دولت گفت: برای جلوگیری از بروز مشکلات بیشتر در حوزه انرژی و سوخت موضوع صرفه جویی و مدیریت مصرف را در دستور کار قرار دادیم که با همراهی مردم، به میزان قابل توجهی صرفه جویی صورت گرفت و امروز از واردات بنزین بی‌نیاز شده‌ایم، درحالی که می‌بایست ۱۲ میلیارد دلار برای واردات بنزین مورد نیاز هزینه می‌کردیم. این اظهارات به معنای اعلام رسمی پایان نیاز وارداتی از سوی رئیس‌جمهور است؛ با این حال،

موج خبر

وزارت راه به جای خانه‌سازی، راه ساخت را می‌بندد

نرگس رزبان، مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی، اعلام کرد که متوسط قیمت مسکن در تهران در مردادماه ۱۴۰۵ کمتر از ۲۰۰ میلیون تومان بوده و میانگین قیمت مسکن در شهرهای کشور نیز ۵۲ تا ۵۳ میلیون تومان ثبت شده است. با این حال، بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که در اوایل مهرماه، میانگین قیمت مسکن در تهران با افزایشی قابل توجه از مرز ۲۰۰ میلیون تومان عبور کرده بود. عدم عرضه مسکن و افزایش هزینه ساخت (قیمت مصالح) در رشد قیمت مسکن تأثیر بسیار زیادی داشته است.

فرشید ایلاتی، کارشناس حوزه مسکن، گفت: «در حوزه مسکن حمایتی، تکمیل پروژه‌های نهضت ملی مسکن در دستور کار قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که از مجموع ۸۵۰ هزار واحد در حال ساخت، قرار است تا پایان سال ۱۳۰ هزار واحد به بهره‌برداری برسد.» این در حالی است که هیچ پروژه جدیدی در این حوزه آغاز نشده و کم‌کاری این وزارتخانه در اجرای نهضت ملی مسکن مشهود است و لازم است مجلس و دستگاه‌های نظارتی به این موضوع ورود کنند. در همین حال، «فارس» گزارش داد: وزارت راه و شهرسازی قصد دارد ساخت شهرک‌های مسکونی و شهرهای جدید در تهران و البرز را به مدت سه سال ممنوع کند. این در حالی است که پیش از این، قوانینی مانند قانون جهش تولید مسکن، قانون برنامه هفتم توسعه و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، سازوکارهایی برای تأمین زمین مسکونی پیش‌بینی کرده بودند که با در نظر گرفتن شرایطی از جمله سابقه سکونت و محل تولد متقاضیان، امکان واگذاری زمین را بدون دامن‌زدن به افزایش بی‌ضابطه تراکم جمعیتی فراهم می‌کردند.

وزارت راه و شهرسازی برای این اقدام، دلایلی از جمله کمبود منابع آبی و تشدید ترافیک را مطرح کرده است؛ با این حال، این طرح با محدود کردن امکان خانه‌دار شدن در اطراف شهر تهران، می‌تواند باعث افزایش تراکم، گسترش ساخت‌وساز عمودی، افزایش ترافیک و آلودگی هوا و در نتیجه، تشدید فشار بر منابع آبی در خود شهر تهران شود. کارشناسان موافق معتقدند که جلوگیری از افزایش تراکم در تهران، همراه با عدم واگذاری زمین در اطراف این شهر، به مهاجرت اجباری جمعیت به استان‌های دیگر منجر می‌شود.

کارشناسان منتقد این طرح می‌گویند که مهاجرت، در صورت وجود فرصت‌های شغلی در مقصد، امکان‌پذیر است؛ در غیر این صورت، جمعیت به دلیل اشتغال در تهران، در این شهر باقی می‌ماند و به سکونتگاه‌های غیرمجاز و حاشیه‌نشینی روی می‌آورد. همچنین، فزونی تقاضا نسبت به عرضه مسکن می‌تواند به افزایش بیشتر قیمت‌ها منجر شود.

((نوبید)) از زمین‌گیری هواپیماهای MD گزارش می‌دهد

خانم وزیر پاسخ بدهید

هم‌زمان با محاصره هوایی آمریکا علیه کشورمان (توقف پروازهای خارجی) و دشواری تأمین قطعات هواپیما، تصمیم وزارت راه و شهرسازی و سازمان هواپیمایی کشوری برای توقف و زمین‌گیر کردن بخش بزرگی از هواپیماهای MD، پرسش‌های مهمی درباره

زمان‌بندی، نحوه اجرا و پیامدهای این تصمیم ایجاد کرده است. ماجرا از ۳۱ شهریور ۱۴۰۵ آغاز شد؛ زمانی که پرواز این هواپیماها به دلیل الزامات ایمنی و استانداردهای بین‌المللی هوانوردی متوقف شد و از ابتدای مهر، زمین‌گیری آن‌ها به مرحله اجرا درآمد.



هادی مولایی

روزنامه‌نگار

این بحران چه کرده و برنامه او برای خروج صنعت از این وضعیت چیست؟ بر اساس آمار مطرح‌شده مبنی بر وجود ۷۵ فروند هواپیمای فعال در کشور، خروج احتمالی ۴۲ فروند MD به معنای تهدید بخش قابل توجهی از ظرفیت عملیاتی ناوگان است. اگر هر هواپیما روزانه ۶ تا ۸ پرواز با ظرفیت ۱۵۰ صندلی انجام دهد، زمین‌گیری ۴۰ فروند، روزانه ۳۶ تا ۴۸ هزار و سالاته حدود ۱۳ تا ۱۷،۵ میلیون صندلی از ظرفیت اسمی پروازها می‌کاهد؛ ظرفیتی که حذف آن می‌تواند به کاهش پروازهای داخلی، اختلال در سفرهای گردشگری، محدود شدن دسترسی شهرهای مختلف و افزایش فشار بر سایر شرکت‌های هواپیمایی منجر شود.

بدیهی است که ایمنی پرواز خط قرمز است و حتی حفظ یک میلیون فرصت شغلی نیز نمی‌تواند توجیهی برای نادیده گرفتن آن باشد؛ اما پرسش اینجاست که مبنای فنی تصمیم اخیر چیست؟ سازمان هواپیمایی کشوری در جریان پروازهای اربعین، با ارائه مستندات ایمنی به طرف عراقی، زمینه صدور مجوز پرواز MDها را فراهم کرده بود؛ در آن مقطع، بر رعایت محدودیت‌های فنی و دستورالعمل‌های ایمنی تأکید شده بود. اکنون چه یافته تازه‌ای ضرورت توقف این ناوگان را ایجاد کرده است؟ در مقررات هوانوردی آمریکا نیز دستورالعمل‌های صلاحیت پروازی یا AD، بسته به نوع نقص، اقدامات اصلاحی، بازرسی یا محدودیت‌های مشخصی را تعیین می‌کنند.

بنابراین، مسئله صرفاً قدیمی بودن هواپیما نیست، بلکه احراز صلاحیت پروازی هر فروند بر اساس الزامات فنی است. وضعیت بهره‌برداری از این خانواده هواپیما در آمریکا و امکان استفاده از بلیدهای تولید داخل، پس از طی فرایند تأیید فنی، نیز نیازمند توضیح شفاف سازمان است. ابهام درباره تصمیم‌گیری‌ها زمانی بیشتر می‌شود که در نامه

منتشرشده محمود طبقچی، مدیرکل دفتر صلاحیت پرواز، ادامه بهره‌برداری از برخی موتورهای JT8D-200 با رعایت الزامات فنی مجاز دانسته شده است. محتوای صورت‌جلسه معاونان و مدیران سازمان با معاونان فنی ایرلاین‌ها چه بوده و چگونه به تصمیم نهایی منجر شده است؟ همچنین، درباره گزارش برکناری طبقچی پس از این مکاتبه، چه توضیح رسمی‌ای وجود دارد؟

از سوی دیگر، شرکت‌های هواپیمایی با سرمایه‌گذاری‌های سنگین در خرید، تعمیر و نگهداری ناوگان، اکنون با تحریم‌های تازه و محدودیت شدید در تأمین هواپیمای جایگزین روبه‌رو هستند. فشارهای مالی پس از جنگ نیز توان آن‌ها را برای عبور از بحران کاهش داده است. زمین‌گیری گسترده ناوگان می‌تواند امنیت شغلی هزاران خلبان، مهندس، مهماندار و نیروی متخصص را تهدید کند. آیا برنامه حمایتی مشخصی برای این شرکت‌ها وجود دارد؟ با این حال باید پاسخ داده شود که سرنوشت نامه مدیران عامل ایرلاین‌ها به رئیس‌جمهور چه شد؟ پیشنهاد خرید هواپیماهای جایگزین با قیمتی دو تا سه برابر قیمت جهانی از کجا مطرح شده و مبنای آن چیست؟



صنعت هوانوردی با وعده‌های اداره نمی‌شود

خانم وزیر! صنعت هوانوردی با وعده‌های کلی و سکوت در برابر پرسش‌های جدی اداره نمی‌شود. مسئولیت وزارت راه و شهرسازی فقط نظارت بر بحران نیست؛ پاسخگویی درباره مبنای تصمیم، پیامدهای اقتصادی و ارائه راه خروج از آن نیز بر عهده این وزارتخانه است. اکنون زمان شفاف‌سازی و ارائه نتایج قابل‌ارزیابی است؛ پیش از آنکه هزینه این بحران بیش‌ازپیش بر دوش ایرلاین‌ها، کارکنان و مردم تحمیل شود.

نبض بازار

میانجی‌ها نتوانستند قیمت نفت را پایین بیاورند

قیمت نفت در معاملات روز سه‌شنبه هفته جاری، در پی تشدید نگرانی‌ها درباره‌ی عرضه جهانی، تا نزدیکی ۱۱۲ دلار در هر بشکه بالا رفت، اما هم‌زمان با انتشار خبرهایی درباره‌ی تحرکات دیپلماتیک و احتمال میانجی‌گری میان ایران و آمریکا، قیمت نفت کاهش‌ی شد. در همان روز، خبر سفر عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، به تهران و گزارش‌هایی درباره‌ی تلاش‌های میانجی‌گرانه‌ی پاکستان و قطر، احتمال ازسرگیری رایزنی‌ها را به صدر اخبار آورد. انتشار این خبرها با کاهش قیمت نفت از سقف روزانه همراه شد؛ هرچند این عقب‌نشینی دوام چندانی نداشت و نفت دیروز (چهارشنبه) بار دیگر به بالای ۱۱۰ دلار بازگشت.

قیمت نفت برنت روز گذشته با افزایش بیش از ۲ دلار به ۱۱۰ دلار و ۸۵ سنت در هر بشکه رسید و نفت خام وست‌تگزاس اینترمدیت آمریکا نیز تا ۹۹ دلار و ۹۵ سنت بالا رفت. کاهش امیدها به پیشرفت دیپلماتیک میان ایران و آمریکا و افت ذخایر نفت و فرآورده‌های نفتی آمریکا از عوامل اصلی بازگشت قیمت‌ها به مسیر صعودی بود. در همین رابطه، رویترز نوشت: اظهارات مقام‌های ایرانی و افزایش نگرانی‌ها درباره‌ی امنیت کشتیرانی در منطقه باعث افزایش دوباره‌ی قیمت نفت شد.

افزایش قیمت نفت به گرانی بنزین و گازوئیل، بالا رفتن هزینه‌ی حمل‌ونقل و گران‌تر شدن کالاها در آمریکا منجر شده است؛ روندی که مهار تورم و حفظ قدرت خرید خانوارهای آمریکایی را دشوارتر کرده است. همچنین، هشدار تازه‌ی گلدمن ساکس نشان می‌دهد که بحران بازار انرژی فقط به میزان تولید و صادرات محدود نیست، بلکه هزینه‌ی انتقال نفت نیز به یکی از عوامل مهم افزایش قیمت تمام‌شده تبدیل شده است. بر اساس یادداشت این بانک سرمایه‌گذاری، میانگین هزینه‌ی حمل نفت خام در جهان از حدود ۳ دلار به ازای هر بشکه در سال گذشته به بیش از ۲۰ دلار رسیده است؛ یعنی بیش از هفت برابر شده است. هزینه‌ی حمل در مسیرهای خاورمیانه نیز از ۳۵ دلار در هر بشکه فراتر رفته است.

رایزنی با عراق برای رفع ابهام‌های فنی و بازگشایی مرز چذابه

گذرگاه مرزی الشیب عراق، یعنی مرز مقابل چذابه در استان خوزستان، از صبح دیروز (چهارشنبه، ۲۹ مهرماه ۱۴۰۵) برای تجارت زمینی و تردد مسافران میان دو کشور بسته شد. الجزیره گزارش داد که علی‌الزیدی، نخست‌وزیر عراق، دستور بسته‌شدن این گذرگاه را صادر کرده و قرار است تعدادی دیگر از گذرگاه‌های مرزی ایران و عراق نیز به تدریج بسته شوند. رویترز نیز با اشاره به بسته‌شدن الشیب، بازبینی ترتیبات امنیتی و نصب تجهیزات شناسایی برای جلوگیری از قاچاق اقلام ممنوعه را به عنوان دلایل اعلام‌شده از سوی منابع عراقی اعلام کرد، البته تاکنون دولت عراق به صورت رسمی علت این موضوع را اعلام نکرده است. هر چند با بسته‌شدن گذرگاه مرزی الشیباز سوی عراق، شماری از شهروندان عراقی در ایران سرگردان شده‌اند.

استانداری خوزستان نیز اعلام کرد که تردد در مرز شلمچه بدون وقفه ادامه دارد و مسافران و فعالان اقتصادی باید تا بازگشایی مجدد چذابه از این گذرگاه استفاده کنند. چذابه یکی از مسیرهای مهم صادرات ایران به بصره و دیگر مناطق جنوبی عراق است. مصالح ساختمانی، مواد غذایی، تره‌بار، لبنیات، آهن‌آلات و کالاهای مصرفی از جمله اقلامی هستند که از مرزهای خوزستان به عراق صادر می‌شوند. شهلا عموری، رئیس‌اتاق بازرگانی اهواز، در گفت‌وگو با ایرنا با اشاره به مسدودشدن مرز چذابه، اظهار کرد: پیگیری‌ها برای روشن شدن شرایط فنی این گذرگاه و بازگشایی مسیر تجاری آن ادامه دارد. وی افزود: تجربه توقف پیشین فعالیت مرزهای شلمچه و چذابه نشان داد که رایزنی مسئولان دو کشور و تکمیل اقدامات فنی و اجرایی می‌تواند زمینه ازسرگیری تردد را فراهم کند.

بین الملل

فواد ایزدی: ظریف ترکمن چای را تطهیر میکند تا کارهایی که خودش کرده است را تطهیر کند



فؤاد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکا، با انتقاد از مواضع محمدجواد ظریف و جریان سیاسی همسو با او، عنوان کرد که ظریف با تطهیر قرارداد ترکمنچای در پی توجیه و تطهیر عملکرد گذشته خود است.

ایزدی با اشاره به سیاست‌های دولت آمریکا در قبال ایران اظهار کرد که دونالد ترامپ تحریم‌ها را لغو نخواهد کرد، زیرا هدف او نابودی ایران است. این کارشناس مسائل آمریکا همچنین از جریانی که خود را «عقلانیت انقلابی» می‌نامد، انتقاد کرد و گفت: اگر این جریان واقعاً انقلابی بود، نسبت به بیانات رهبر انقلاب بی‌تفاوت نمی‌ماند و اگر عقلانیت داشت، از تجربه‌های گذشته درس می‌گرفت.

وی همچنین با طرح ادعایی درباره انتقال منابع مالی به رضا پهلوی، مدعی شد که «اتراستی‌ها» از محل پول فروش نفت، ۳۰۰ میلیون دلار به او پرداخت کرده‌اند.

ایزدی پیش‌تر نیز درباره سیاست‌های واشنگتن در قبال ایران هشدار داده و بر ضرورت پرهیز از خوش بینی به اهداف آمریکا تأکید کرده بود. از این منظر، مسئله اصلی در ارزیابی سیاست خارجی ایالات متحده، صرفاً اظهارات مقامات این کشور درباره مذاکره نیست، بلکه بررسی هم‌زمان رفتار عملی، فشارهای اقتصادی و اهداف راهبردی واشنگتن است.

فشار جنگ ایران معادلات کاخ سفید را تغییر داده است

اوکراین و اروپا، قربانی بحران آمریکا

دیدار استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ، با پوتین در سن پترزبورگ، در ظاهر تلاشی تازه برای احیای مذاکرات صلح اوکراین است اما در پس این تحرک دیپلماتیک، نشانه‌هایی از تغییر محاسبات واشنگتن در پی جنگ طاقت فرسا با ایران، فشارهای اقتصادی و محدودیت توان آمریکا برای مدیریت هم‌زمان بحران‌های نظامی دیده می‌شود. ترامپ که در آغاز دوره دوم ریاست جمهوری خود وعده پایان سریع جنگ اوکراین را داده بود، اکنون در شرایطی به دنبال ازسرگیری مذاکرات سه‌جانبه با روسیه و اوکراین است که افزایش هزینه‌های انرژی، نزدیک شدن انتخابات میان‌دوره‌ای و پیامدهای جنگ با ایران، دست او را برای ادامه سیاست تقابل گسترده بسته‌تر کرده است.

متحد اوکراین محسوب می‌شود و از سوی دیگر، برای پیشبرد اهداف اقتصادی و دیپلماتیک خود به تفاهم با مسکو روی می‌آورد. این چرخش، بی‌اعتمادی متحدان اروپایی به ثبات تعهدات آمریکا را افزایش می‌دهد. به‌ویژه آنکه فشار هزینه‌های انرژی و اعتراضات اقتصادی در برخی کشورهای اروپایی نیز ادامه دارد. دیدار ویتکاف و پوتین رانمی‌توان بدون توجه به فشارهای اقتصادی، جنگ ایران و رقابت‌های انتخاباتی آمریکا تحلیل کرد. احتمال دارد مذاکرات تازه بیش از آنکه به توافقی جامع و پایدار درباره اوکراین منجر شود، در کوتاه‌مدت بر ترتیبات اقتصادی، از جمله صادرات گاز و ژئیل روسیه، متمرکز بماند. هرچند گفت‌وگوها موضوعاتی چون تضمین‌های امنیتی اوکراین و معماری امنیتی اروپا را نیز دربر گرفته است.

ترامپ برای کاهش هزینه‌های بحران، به همکاری روسیه نیاز پیدا کرده و همین مسئله، شکاف میان شعارهای اولیه او و واقعیت سیاست خارجی آمریکا را آشکارتر می‌کند. اگر واشنگتن بخواهد هم‌زمان فشار بر ایران، مدیریت جنگ اوکراین و حفظ اعتماد متحدان اروپایی را دنبال کند، ناچار است هزینه‌های فزاینده این سیاست را بپذیرد. صلحی که از موضع نیاز و زیر فشار بحران‌های داخلی دنبال می‌شود، ممکن است به توافقی محدود منجر شود اما تا زمانی که اختلافات بنیادین طرف‌ها حل نشده باشد، نمی‌توان آن را پایان واقعی جنگ دانست.

جنگ با ایران بازار انرژی را تحت فشار قرار داده، نشان می‌دهد محاسبات اقتصادی واشنگتن چگونه بر سیاست خارجی آن سایه انداخته است.

عامل مهم دیگر، پیامدهای جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران است. افزایش فشار بر بازار انرژی و نگرانی از قیمت سوخت، جنگ را از میدان نظامی به سفره رأی دهندگان آمریکایی کشانده است. انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در سوم نوامبر، برای جمهوری خواهان اهمیت تعیین کننده دارد و ترامپ اعلام کرد که آمریکا پیش از این انتخابات حمله تازه‌ای به ایران انجام نخواهد داد. این موضع گیری نشان می‌دهد ملاحظات انتخاباتی تا چه اندازه در محاسبات نظامی واشنگتن نقش پیدا کرده است.

هم‌زمان، گزارش فایننشال تایمز درباره مخالفت ترامپ با طرح حمله تازه رژیم صهیونیستی در ده اکتبر به ایران، از محدودیت‌های سیاسی و محاسباتی کاخ سفید حکایت دارد.

در این میان، جنگ افزارها و ذخایر رهگیر آمریکا نیز به مسئله‌ای راهبردی تبدیل شده‌اند. ادامه درگیری‌ها و نیاز به دفاع از نیروها و متحدان واشنگتن، فشار بر منابع نظامی را افزایش داده است. آنچه روشن است، هزینه سنگین مدیریت هم‌زمان چند بحران و دشوارتر شدن تصمیم‌گیری برای ورود به یک جنگ جدید است. در چنین فضای، اروپا نیز با یک معضل جدی روبه‌رو است. واشنگتن از یک سو



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

ترس ترامپ از یک جنگ

پیامدهای جنگ آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران که منجر به افزایش فشار بر بازار انرژی و نگرانی از قیمت سوخت شده است، جنگ را از میدان نظامی به سفره رأی دهندگان آمریکایی کشانده است. انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در سوم نوامبر، برای جمهوری خواهان اهمیت تعیین کننده دارد و ترامپ اعلام کرد که آمریکا پیش از این انتخابات حمله تازه‌ای به ایران انجام نخواهد داد. این موضع‌گیری نشان می‌دهد ملاحظات انتخاباتی تا چه اندازه در محاسبات نظامی واشنگتن نقش پیدا کرده است.

یادداشت

کاخ سفید در محاصره نارضایتی‌ها

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

دونالد ترامپ که با وعده بازگرداندن عظمت آمریکا، مهار تورم و اولویت دادن به منافع شهروندان آمریکایی به کاخ سفید بازگشت، اکنون در فاصله کمتر از دو هفته تا انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره، با یکی از دشوارترین مقاطع دوران ریاست جمهوری خود روبه‌رو شده است. تازه‌ترین نظرسنجی‌ها نه تنها از کاهش مستمر محبوبیت او حکایت دارند، بلکه نشان می‌دهند سیاست‌های کاخ سفید در حوزه اقتصاد و جنگ خارجی به پاشنه آشیل رئیس جمهور آمریکا تبدیل شده‌اند. وضعیتی که می‌تواند هزینه سیاسی سنگینی برای ترامپ و حزب جمهوری خواه به همراه داشته باشد.

بر اساس نظرسنجی رویترز و مؤسسه ایپسوس، تنها ۳۱ درصد آمریکایی‌ها عملکرد ترامپ را تأیید می‌کنند. رقمی که پایین‌ترین میزان محبوبیت او در دو دوره ریاست جمهوری اش محسوب می‌شود. در مقابل، نارضایتی از عملکرد رئیس جمهور به سطحی رسیده که دیگر نمی‌توان آن را صرفاً نوسانی مقطعی در فضای سیاسی آمریکا دانست. اهمیت این افت زمانی بیشتری شود که بدانیم در نظرسنجی‌های دیگر، از جمله بررسی مشترک واشنگتن پست، شبکه ای بی‌سی و ایپسوس، نیز میزان مخالفت با ترامپ به سطحی کم‌سابقه رسیده است.

این ارقام در آستانه انتخابات سوم نوامبر، صرفاً یک شکست تبلیغاتی برای کاخ سفید نیست بلکه هشدارى درباره احتمال تغییر موازنه قدرت در کنگره به شمار می‌رود. طبق نظرسنجی رویترز-ایپسوس، در پاسخ به این پرسش که اگر انتخابات کنگره همین امروز برگزار شود به کدام حزب رأی می‌دهند، ۴۷ درصد رأی دهندگان ثبت‌نام‌شده دموکرات‌ها و تنها ۳۵ درصد جمهوری خواهان را انتخاب کرده‌اند. فاصله ۱۲ درصدی دو حزب، نسبت به برتری هفت درصدی دموکرات‌ها در نظرسنجی دو هفته قبل، از تشدید فشار بر حزب حاکم حکایت دارد.

یکی از مهم‌ترین عوامل افت محبوبیت ترامپ، پیوند خوردن سیاست خارجی کاخ سفید با هزینه‌های روزمره زندگی مردم آمریکاست. حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، بنا بر گزارش رویترز، با افزایش قیمت بنزین همراه شده و نگرانی‌های اقتصادی خانوارها را تشدید کرده است. در کشوری که قیمت سوخت و هزینه حمل و نقل مستقیماً بر زندگی روزمره شهروندان اثر می‌گذارد، پیامدهای یک جنگ خارجی به سرعت از میدان نظامی به سبد خرید خانواده‌ها منتقل می‌شود.

در نظرسنجی رویترز-ایپسوس، ۶۸ درصد آمریکایی‌ها از نحوه مدیریت اقتصاد به دست ترامپ ابراز نارضایتی کرده‌اند؛ نکته قابل توجه آن است که این رقم شامل ۳۷ درصد از جمهوری خواهانی نیز می‌شود که خود را وابسته به حزب رئیس جمهور معرفی کرده‌اند. به بیان دیگر، نارضایتی فقط در میان مخالفان سنتی ترامپ متمرکز نمانده و بخشی از پایگاه سیاسی او را نیز دربر گرفته است.

این همان تناقضی است که دولت ترامپ با آن دست و پنجه نرم می‌کند. رئیس جمهوری که وعده داده بود منافع اقتصادی آمریکایی‌ها را در اولویت قرار دهد، اکنون باید برای پیامدهای اقتصادی تصمیم‌های نظامی خود نیز پاسخگو باشد. وقتی هزینه سوخت بالا می‌رود و قدرت خرید خانوارها کاهش می‌یابد، شعارهای انتخاباتی نمی‌توانند به‌تنهایی نارضایتی عمومی را مهار کنند.

یادداشت

بغداد و حساب باز واشنگتن

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

بیش از یک ماه پس از ماجرای بسته و باز شدن گذرگاه‌های مرزی ایران و عراق، دولت عراق روز چهارشنبه ۲۹ مهرماه دستور بسته شدن گذرگاه مرزی «الشیب»، معادل جذابه در ایران، را صادر کرد. الجزیره به نقل از یک مقام عراقی نوشته است این اقدام با دستور مستقیم و ناگهانی علی الزیدی، نخست‌وزیر عراق، صورت گرفته؛ هرچند بغداد هنوز رسماً درباره علت آن توضیح نداده است. مهم‌تر آنکه بنابر همین گزارش، انسداد الشیب قرار است با بسته شدن تدریجی چند مرز زمینی دیگر تکمیل شود و «اتاطلاع ثانوی» عبور افراد و وسایل نقلیه را بربری نیز ممنوع خواهد بود.

این تصمیم، بار دیگر پرسش‌هایی را درباره رویکرد دولت جدید عراق در قبال ایران مطرح کرده است؛ به‌ویژه آنکه روابط تهران و بغداد در سال‌های گذشته، همواره تحت تأثیر ملاحظات منطقه‌ای و فشارهای آمریکا قرار داشته است. اکنون این نگرانی وجود دارد که در شرایط افزایش فشار واشنگتن بر تهران، برخی تصمیم‌های دولت عراق بیش از گذشته از این ملاحظات تأثیر بپذیرد؛ آن‌هم در شرایطی که ایران طی دو دهه گذشته برای تقویت روابط دو جانبه و پیوندهای تاریخی دو ملت تلاش کرده است.

الزیدی در حالی از دل شورای ائتلاف شیعه به نخست‌وزیری رسید که سابقه سیاسی برجسته‌ای نداشت و در انتخابات مجلس، نوری مالکی و ائتلاف او که بر پیوندهای راهبردی ایران و عراق تأکید بیشتری داشتند، از جایگاه انتخاباتی قابل توجهی برخوردار بودند. این روند، پرسشی مهم را پیش روی سیاست خارجی ایران قرار می‌دهد: آیا تحولات اخیر عراق، ضرورت بازنگری در شیوه تعامل تهران با ائتلاف‌های سیاسی شیعه و ارزیابی دقیق‌تر از پیامدهای انتخاب‌های سیاسی در این کشور را نشان نمی‌دهد؟

واقعیت آن است که عملکرد سیاست ایران در قبال تحولات سیاسی و امنیتی عراق طی سال‌های پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی، نیازمند بررسی دقیق‌تر و آسیب‌شناسی جدی است. در این سال‌ها، با وجود تداوم پیوندهای سیاسی و اجتماعی دو کشور، برخی تحولات منطقه‌ای پرسش‌هایی را درباره میزان اثرگذاری این روابط بر تصمیم‌های دولت عراق ایجاد کرده است. برای نمونه، پس از حمله نیروهای عراقی به پایگاه موسوم به «برج ۲۲» آمریکا در مرز اردن و سوریه در ۱۳ بهمن ۱۴۰۲، گمانه‌زنی‌هایی درباره نقش ایران در دعوت گروه‌های عراقی به خویششنداری مطرح شد؛ ادعایی که محل تردید بود، اما طرح آن نیز نشان می‌داد که تهران باید نسبت به برداشت‌ها و پیامدهای سیاسی رویکرد خود در منطقه حساس باشد. ایران حتی غرامت جنگ هشت‌ساله تحمیلی را از عراق دریافت نکرد، اما تمامی جنگنده‌های بمب‌افکن سوخو-۲۴ عراقی را که هنگام جنگ عراق با کویت به ایران پناهنده شده بودند، برای نبرد با داعش به عراق بازگرداند. در چنین شرایطی، بازخوانی ظرفیت‌های حقوقی و سیاسی ایران برای پیگیری مطالبات باقی‌مانده از جنگ تحمیلی، از جمله موضوع غرامت، می‌تواند بخشی از بازتعریف رابطه با بغداد باشد؛ مطالبه‌ای که پیگیری آن، در کنار حفظ روابط دوستانه، بر ضرورت توجه به منافع و حقوق ملی ایران تأکید می‌کند.

در جنگ اخیر نیز، با وجود چالش‌های دولت مرکزی عراق در مهار تحركات گروه‌های تجزیه‌طلب در اقلیم کردستان و ادعای صریح ترامپ درباره ارسال سلاح از خاک عراق برای حمله به ایران، تهران از اقدام مستقیم علیه بغداد خودداری کرد. با این حال، تداوم روابط دوستانه زمانی می‌تواند به تقویت مناسبات دو کشور منجر شود که با توجه متقابل به نگرانی‌های امنیتی و منافع ملی همراه باشد. حفظ روابط سازنده نباید مانع از طرح صریح مطالبات ایران در برابر تصمیم‌هایی شود که می‌تواند امنیت کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

البته حساب ملت عراق، به‌ویژه شیعیان این کشور، از دولت بغداد جداست؛ همان‌گونه که پیوند قلبی ایران با شیعیان بحرین به معنای تأیید همه سیاست‌های حکومت آن کشور نیست. برادری با ملت عراق باید حفظ شود، اما این پیوند تاریخی در کنار ضرورت گفت‌وگو و همکاری، ایجاب می‌کند که اختلافات و تصمیم‌های مغایر با منافع ایران نیز به‌روشنی مطرح شوند. پیام تهران باید روشن باشد: دوستی ملت‌ها پابرجاست، اما روابط دولت‌ها نیز باید بر پایه احترام متقابل، توجه به منافع مشترک و پرهیز از همراهی با فشارهای خارجی علیه یکدیگر تنظیم شود.

تجربه حملات گذشته یک پیام دارد؛ دشمن باید از آغاز جنگ بعدی بترسد

جنگ سوم؛ باطل السحر می‌خواهد

است. در شرایطی که تهدید حمله مجدد آمریکا و رژیم صهیونیستی همچنان بالاست، مسئولان بر حفظ ذخایر فوق‌راهبردی اورانیوم ۶۰ درصد و مخالفت با انتقال آن به خارج تأکید کرده‌اند.

مجموع تحولات و مواضع چند روز اخیر نشان می‌دهد نگرانی ملت ایران از تکرار تجربه ده‌ها بار شکست‌خورده برجامی و عقب‌نشینی در حوزه هسته‌ای، این بار جدی‌تر مورد توجه مسئولان قرار گرفته



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

ادعای فاینشال تایمز

درباره حمله لغو شده اسرائیل در ۱۰ اکتبر

در همین فضا، روزنامه فاینشال تایمز گزارش داده: «نتانیاهو قصد داشت ۱۰ اکتبر حمله‌ای بزرگ علیه ایران انجام دهد، اما ترامپ به دلیل نگرانی از آغاز جنگی جدید پیش از انتخابات آمریکا مانع آن شد. طبق این گزارش، عملیات پیشنهادی می‌توانست چند روز ادامه داشته باشد و تأسیسات هسته‌ای، نیروگاه‌ها و دیگر زیرساخت‌های ایران را هدف قرار دهد.»

خبرنگار فاینشال تایمز نیز نوشته است: «منابع متعدد به من گفتند که نه تنها نتانیاهو فعالیت‌ها در حال فشار آوردن و اصرار برای از سرگیری عملیات‌های گسترده علیه ایران است، بلکه این آمادگی‌ها بسیار فراتر از آن چیزی بود که ما هر دلیلی برای باور آن داشتیم.» براساس همین روایت، طرح‌ها خواستار آغاز عملیات دست کم توسط نیروی هوایی اسرائیل در حوالی آخر هفته ۱۰ اکتبر بوده و حملات برنامه‌ریزی‌شده قرار بوده بسیار گسترده‌تر از حملاتی باشد که در آغاز تهاجم اصلی آمریکا و اسرائیل علیه ایران در فوریه انجام شد.

هرمز فقط گذرگاه نفت نیست

در سوی دیگر معادله، سردار محبی سخنگوی سپاه نیز درباره پیامدهای جنگ جدید از قطع مسیر اینترنت جهانی سخن گفته است. اهمیت این هشدار به عبور کابل‌های حیاتی ارتباطی از محدوده تنگه هرمز بازمی‌گردد؛ زیرساخت‌هایی که بخش بزرگی از ارتباطات بین‌المللی اینترنت بر آنها متکی است و ماهواره نیز به دلیل ظرفیت کمتر، تأخیر بیشتر و هزینه بالاتر، جایگزین هم‌سطحی برای آنها نیست.

فالکون، 1-AAE، گلف بریج اینترنشنال، 2Africa، 5 TGN-Gulf، SEA-ME-WE و Oman-Iran Link هفت مسیر مورد اشاره‌اند. پیام‌رسانی، تماس تصویری، بانکداری آنلاین، خدمات ابری و فعالیت بخش بزرگی از شرکت‌های فناوری به چنین زیرساخت‌هایی وابسته است. بنابراین جنگ فراگیر در منطقه می‌تواند ابعادی بسیار فراتر از میدان نظامی و بازار انرژی پیدا کند.

امید بستن به انتخابات آمریکا، نسخه نجات نیست

در این میان چشم دوختن به انتخابات آمریکا و اسرائیل نیز خطای محاسباتی است. در مواضع ضدایرانی و نگاه آخرالزمانی علیه ایران، تفاوت تعیین‌کننده‌ای میان نتانیاهو، ایزنکوت و لاپید وجود ندارد. در آمریکا نیز نباید امید زیادی به انتخابات بست؛ ترامپ

هفته رو به پایان جاری را میتوان هفته ترافیک سفرها به تهران نامید. سفرهایی مجزا که همه یک هدف را دنبال می‌کردند ترغیب، تطمیع و تهدید ایران برای نابودسازی ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد. مجموع تحولات و مواضع چند روز گذشته حامل یک نشانه مهم است؛ این بار نگرانی ملت ایران درباره تکرار تجربه ده‌ها بار شکست‌خورده برجامی، عقب‌نشینی هسته‌ای و نابودسازی ذخایر فوق‌راهبردی اورانیوم ۶۰ درصد ظاهراً جدی‌تر شنیده شده است. مواضع اخیر مسئولان در برابر مسافران رسمی و غیررسمی این روزها به تهران نیز بر یک نقطه مشترک قرار گرفته: «اورانیوم غنی‌شده ایران از کشور خارج نخواهد شد.»

این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که ترامپ در صدد است پیش از انتخابات، امتیازی بزرگ از ایران بگیرد تا پس از انتخابات میان‌دوره‌ای مجالس آمریکا و انتخابات رژیم صهیونیستی، با خیال آسوده‌تری از امکان حرکت ایران به سمت ساخت سلاح اتمی، گزینه حمله را دنبال کند. واگذاری مهم‌ترین دارایی هسته‌ای کشور در چنین فضایی، عمل‌امی تواند یکی از نگرانی‌های اساسی دشمن در محاسبات جنگ آینده را برطرف کند.

ثروت ملی از کشور خارج نمی‌شود

در این راستا سرلشکر محسن رضایی ۲۸ مهرماه ۱۴۰۵ در دیدار با عاصم منیر صراحتاً اعلام کرد: «اورانیوم غنی‌شده ثروت ملی است، آن را به خارج از کشور منتقل نخواهیم کرد.» وی همچنین تأکید کرد: «تا زمانی که ایالات متحده پیش‌شرط‌های ایران را نپذیرد با واشنگتن مذاکره نخواهیم کرد.»

همزمان ایران خود را برای جنگی همه‌جانبه، چندان‌لایه و فراگیر آماده کرده است. یک مقام ارشد امنیتی به پرس‌تی‌وی گفته ایران تصمیم قطعی گرفته است در واکنش به هرگونه تعرض، قتل و ترور، «بدون هیچ محدودیت و خویششنداری» پاسخ دهد و منافع و اهداف در دسترس متجاوزان و حامیان آنها در منطقه را با شدت هدف قرار دهد. از نگاه تهران، آمریکا بدون اسرائیل و اسرائیل بدون آمریکا وارد جنگ علیه ایران نخواهند شد و مستقل جلوه دادن این دو در چنین جنگی چیزی شبیه «طنز تلخ» است. تهدیدهای صریح مقامات آمریکایی و اسرائیلی نیز از منظر ایران، اتخاذ تدابیر ضروری دفاعی را توجیه می‌کند.

دشمن امتیاز می‌خواهد، ایران بازدارندگی

در حالی که گزارش‌هایی از برنامه اسرائیل برای حمله گسترده به تأسیسات هسته‌ای، نیروگاه‌ها و زیرساخت‌های ایران منتشر شده، همزمان فشار برای گرفتن امتیاز هسته‌ای از تهران ادامه دارد. مسئله اصلی اینجاست: ایران نمی‌تواند دارایی راهبردی خود را واگذار کند و سپس منتظر تصمیم دشمن بماند؛ به‌ویژه هنگامی که مطالبه بازدارندگی اتمی در داخل کشور روزه‌روز پررنگ‌تر می‌شود.

نشان داده محدودیت‌های سیاسی و حقوقی را تا جای ممکن به چالش می‌کشد و حتی پیروزی دموکرات‌ها در دو مجلس الزاماً به معنای بسته شدن دست کاخ سفید نیست. رئیس‌جمهور همچنان ابزار وتوی مجلس نمایندگان و سنای را در اختیار دارد و تا استقرار نمایندگان جدید نیز تغییر فوری در موازنه ایجاد نمی‌شود.

بر این اساس، باید سناریوی جنگ سوم علیه ایران از سوی آمریکا و اسرائیل را به عنوان یک خطر جدی و مبنای برنامه‌ریزی دفاعی در نظر گرفت. چرخه‌ای که «محور شیطانی ترامپ و نتانیاهو» تدارک دیده، با هدف خنثی‌سازی مرحله به مرحله قدرت ایران قابل تحلیل است و مقابله با آن نیازمند ایده‌ای آچمزکننده و باطل السحر این راهبر است.

بازدارندگی؛

مسئله‌ای که دیگر قابل دور زدن نیست

در چنین شرایطی مطالبه سلاح هسته‌ای و بازدارندگی اتمی در بخشی از افکار عمومی، نه صرفاً به عنوان یک خواسته، بلکه به عنوان ضرورتی برای تثبیت اقتدار و دستاوردهای ایران مطرح شده است؛ خصوصاً وقتی دشمن بارها داشتن سلاح هسته‌ای را عاملی برای احترام اجباری آمریکا به آنان معرفی کرده است. در این چارچوب به اظهارات ترامپ درباره زرادخانه هسته‌ای کره شمالی و سخنان روبیو درباره پاکستان و کلاهای اتمی آن گوشه کوچکی از این احترام اجباری جانی‌ترین سیاستمداران آمریکا به قدرت است.

در چنین شرایطی اگر طرف مقابل همزمان از مذاکره سخن بگوید، برای گرفتن اورانیوم ۶۰ درصد فشار بیاورد و گزینه بمباران زیرساخت‌های ایران را نیز روی میز نگه دارد، ساده‌اندیشی درباره هدف نهایی این فشارها می‌تواند هزینه‌ای تاریخی ایجاد کند. در شرایطی که پزشک‌های باز هم در حال ادامه دادن مواضع اشتباه خود است، به هیچ وجه نباید ساده‌اندیشی فردی مانند پزشک‌های طیف فرصت‌طلب و واداده برجامی مسلط بروی، معیار انتخاب مسیر تاریخی کشور قرار گیرد. تجربه گذشته نشان داده است امنیت ملی را نمی‌توان بر خوش بینی به نیت دشمن بنا کرد.

از همین رو تکیه مجدد بر تقکرات حماقت‌بار ظریف درباره بازدارندگی، سیاست خارجی و مسئله هسته‌ای، این بار ممکن است دیگر صرفاً به یک توافق خسارت‌بار ختم نشود؛ در شرایطی که دشمن از جنگ سخن می‌گوید، گرفتن مهم‌ترین مولفه‌های بازدارندگی ایران پیش از حمله می‌تواند خسارتی جبران‌ناپذیر و ابدی برای کشور رقم بزند.

شاهنامه؛ میراثی برای موزه یا زندگی امروز؟

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

آنچه استفاده از شاهنامه و نگارگری ایرانی در آثار هنری معاصر را قابل بحث می‌کند، مسئله نسبت میان میراث فرهنگی و تجربه امروز ماست. شاهنامه فقط مجموعه‌ای از داستان‌های کهن یا یادگاری از گذشته نیست؛ اثری است که بخش مهمی از تخیل جمعی، حافظه تاریخی و تصورات ما از قهرمانی، قدرت، وفاداری و سرنوشت را شکل داده است. باین حال، زنده نگه داشتن چنین میراثی صرفاً با تکرار نام شخصیت‌ها یا بازتولید تصاویر آشنا اتفاق نمی‌افتد.

یکی از مشکلات مواجهه ما با میراث فرهنگی این است که گاهی آن را به مجموعه‌ای از نمادهای محترم و دست‌نخورده تبدیل می‌کنیم؛ چیزهایی که باید حفظ شوند، اما کمتر فرصت پیدا می‌کنند با مسائل زندگی امروز ارتباط برقرار کنند. در چنین وضعیتی، شاهنامه بیشتر به موضوعی برای ستایش تبدیل می‌شود تا اثری که بتوان با آن اندیشید و پرسش‌های تازه‌ای مطرح کرد. حال آنکه اهمیت یک اثر کلاسیک فقط در قدمت آن نیست و در رواقع اهمیت آن در ظرفیتش برای معنا پیدا کردن در زمانه‌های متفاوت است.

استفاده از عناصر شاهنامه و نگارگری در هنرهای معاصر می‌تواند فرصتی برای عبور از این وضعیت باشد. وقتی یک تصویر یا شخصیت از قالب آشنای خود بیرون می‌آید و در رسانه‌ای تازه بازآفرینی می‌شود، امکان شکل‌گیری رابطه‌ای متفاوت میان مخاطب و میراث فرهنگی فراهم می‌شود. البته صرف تغییر قالب به معنای خلق اثری ارزشمند نیست. پرسش اصلی این است که هنرمند با این عناصر چه کرده و آیا توانسته است معنایی فراتر از ظاهر تزیینی آن‌ها خلق کند یا نه.

در این میان، خطر دیگری هم وجود دارد: اینکه میراث فرهنگی به ابزاری برای تولید آثاری با هویت ایرانی تبدیل شود، بی‌آنکه این هویت در ساختار و معنای اثر حضور واقعی داشته باشد. استفاده از نقش مایه‌های سنتی، به خودی خود نه نشانه عمق فرهنگی است و نه تضمینی برای اصالت هنری. همان‌طور که فاصله گرفتن از سنت لزوماً به معنای نوآوری نیست، بازگشت به آن هم بدون شناخت و تفسیر می‌تواند به تکرار مجموعه‌ای از نشانه‌های آشنا محدود بماند. این پرسش هنوز باقی است، شاید مهم‌ترین مسئله همین باشد که میراث فرهنگی را نه به عنوان گذشته‌ای تمام‌شده، بلکه به عنوان امکانی برای خلق در زمان حال ببینیم. شاهنامه زمانی در فرهنگ امروز مازنده خواهد ماند که بتواند فراتر از موزه‌ها و مراسم رسمی، در تجربه زیبایی‌شناختی نسل جدید حضور پیدا کند. مسئله فقط حفظ میراث نیست؛ مسئله این است که آیا هنوز می‌توان با آن چیزی تازه آفرید یا نه.

چهل و سومین جشنواره فیلم کوتاه تهران هم به آخر خط رسید سینمایی برای مصرف خارجی

چهل و سومین جشنواره فیلم کوتاه تهران نیز به ایستگاه آخر رسید و پرونده‌اش بسته شد، اما آنچه بیش از هر چیز در این رویداد سینمایی خودنمایی می‌کند، حاشیه‌ها و به‌ویژه شیوه برگزاری آن است. از بی‌توجهی آشکار مهمانان به هنجارهای پوشش و پیامک‌های تذکر حجاب گرفته تا انتخاب پردیس ملت به‌عنوان میزبان که گویی صرفاً به دلیل رایگان بودن امکاناتش برگزیده شده است.



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

وقتی صحبت از میزبانی یک رویداد فرهنگی به میان می‌آید، انتظار می‌رود مکانی انتخاب شود که شأن و منزلت سینمای متعهد را حفظ کند. اما انتخاب پردیس ملت به عنوان محل برگزاری، نشان دهنده یک نگاه کاملاً اقتصادی و نه فرهنگی است. به نظر می‌رسد مسئولان صرفاً به خاطر مجانی بودن امکانات این مجموعه تجاری، قید سالن‌های مناسب‌تر را زده‌اند. در کنار این انتخاب عجیب، مسئله پوشش و حجاب نیز به یکی از بزرگترین چالش‌های بصری این دوره تبدیل شد.

با وجود ارسال پیامک‌های متعدد و تأکید بر رعایت شئونات اسلامی، هیچ‌کس به این تذکرات توجهی نکرد. مهمانان و حتی برخی عوامل فیلم‌ها هرطور که دوست داشتند در جشنواره حضور پیدا کردند و این بی‌قانونی آشکار، نشان دهنده ضعف شدید مدیریت در اعمال استانداردهای حداقلی فرهنگی است و این موضوع باعث دلسردی خانواده‌ها شده است. اما بخش تاریک‌تر ماجرا، به محتوای آثاری برمی‌گردد که در این جشنواره روی پرده رفتند.

در شرایطی که کشور با چالش‌های جدی مواجه است و مردم ایران تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی روزهای سختی را سپری می‌کنند، انتظار می‌رفت فیلم‌سازان دغدغه‌مند به مسائل روز مملکت بپردازند و مظلومیت و استقامت مردم را به تصویر بکشند. متأسفانه آنچه در بخش مسابقه ملی و فیلم‌های ارگانی شاهد بودیم، کاملاً خلاف این انتظار بود. بسیاری از آثار به جای دردشناسی دلسوزانه، به نقد مخرب سیستم و ساختارشکنی روی آورده‌اند. فیلم‌هایی نظیر سلول و شب هول نمونه‌های بارزی از این رویکرد هستند که در آن‌ها سازندگان با اعتماد به نفس تمام، در زمین شعار مسموم زن، زندگی، آزادی بازی کرده‌اند. این آثار به جای ارائه راهکار یا همدردی با

آلام واقعی زنان و مردان این سرزمین، سعی در ترویج یک گفتمان وارداتی و مغایر با ارزش‌های بومی دارند. وضعیت در بخش فیلم‌های استان‌ها نیز چندان بهتر نیست. یکی از اهداف جشنواره‌های استانی، نمایش تنوع فرهنگی، آداب و رسوم و ظرفیت‌های بومی مناطق مختلف کشور است. اما در چهل و سومین دوره، بسیاری از آثار ارسالی از استان‌ها به خاطر طرح مضامین عجیب و غریب، سوررئال بازی‌های بی‌معنا و داستان‌هایی که هیچ سنخیتی با فرهنگ غنی ایران ندارند، شایسته حضور در این فستیوال نبودند. این رویکرد کمکی به معرفی ظرفیت‌های واقعی مناطق نمی‌کند و باعث ایجاد سوءتفاهم درباره هویت فرهنگی ایران می‌شود. گویی فیلم‌سازان جوان استان‌ها نیز برای دیده شدن، راهی جز تقلید از سلیقه‌های بیمارگونه و ضد فرهنگی فیلمسازان آنور آبی پیدا نکرده‌اند و هویت بومی خود را فدای یک مدرنیسم کور و بی‌ریشه کرده‌اند. در نهایت باید به یک واقعیت تلخ و انکارناپذیر اشاره کرد؛ بسیاری از فیلم‌های حاضر در این جشنواره، به‌هیچ‌وجه برای مخاطب ایرانی ساخته نشده‌اند. این آثار بیشتر شبیه به پروژه‌هایی هستند که با محاسبه دقیق سلیقه فستیوال‌های خارجی و با چشم‌داشت به اسکار کوالیفای بودن این رویداد تولید می‌شوند. در چنین فضایی، طبیعی است که مخاطب عام ایرانی با تماشای این آثار احساس بیگانگی کند و سالن‌ها از تماشاگر خالی بماند. به همین دلیل است که این فیلم‌ها هیچ نسبیتی با حال و هوای واقعی جامعه ما برقرار نمی‌کنند و کاملاً مصرف خارجی دارند. وقتی سینمای کوتاه ما به جای آنکه آینه‌ی تمام‌نمای درد و امید مردم خود باشد، به پرتیزی برای عرضه سیاه‌نمایی به بازارهای خارجی تبدیل می‌شود، باید نگران آینده این هنر بود. چهل و سومین جشنواره فیلم کوتاه تهران، بیش از آنکه جشن سینما باشد، محفلی برای نمایش شکاف عمیق میان رغدغدهای واقعی ملت و زبان بیگانه‌ی برخی سینماگران بود.

سرسگ که دائم در تضاد با هم‌اند و باز هم ناگزیر با هم حرکت می‌کنند. هنرمند ایرانی با الهام از همین محصول فرهنگی آمریکایی، سرودو چهره جنایتکار را روی آن نشانده؛ دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو. بدن زخمی و بخیه‌خورده، چنگال‌های تیز و لکه‌های خون در برابر پس‌زمینه‌ای کاملاً سیاه، تصویری خشن و هشداردهنده ساخته است. یکی از سرها خشمگین و دندان‌نما است و دیگری با نگاهی بدبین به سمت مخالف خیره شده است.

پیام اثر روشن است: هر اختلاف‌نظر یا تنش ظاهری میان این دو، توهمی بیش نیست، چون هر دو بر یک بدن واحد سوارند و سرنوشتشان از هم جدا نمی‌شود. شجاعی طباطبایی این برداشت را با جمله ترامپ در «تروث سوشال» تکمیل می‌کند: «بدون نتانیاهو هرگز!»



سیدمسعود شجاعی طباطبایی، کاریکاتوریست ایرانی، اثر تازه‌ای با عنوان «گر به سگ» منتشر کرده است. ریشه انیمیشن «گر به سگ» به آمریکا برمی‌گردد. این مجموعه را شبکه نیکلودئون در اواخر دهه ۱۹۹۰ تولید کرد و ماجرای موجودی است که یک بدن دارد، اما یک سر گر به و یک

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ ســـپهبد قـرنی خ شـــاداب پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

فرهنگ

C U L T U R A L

■ پنجشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۶۶

یادداشت

سلبریتی‌ها «سیروس ابراهیم‌زاده» را بدرقه نکردند

علی نقدی
روزنامه‌نگار

سرانجام پیکر زنده‌یاد سیروس ابراهیم‌زاده به وطن بازگشت تا در خاک ایران آرام گیرد. روز گذشته، چهارشنبه بیست‌ونهم مهرماه، پیکر این هنرمند فرهیخته با حضور جمعی از هنرمندان، مدیران فرهنگی و خانواده‌اش از مقابل خانه هنرمندان تشییع شد. اما آنچه در این مراسم خودنمایی می‌کرد، حضور کم‌رنگ و انگشت‌شمار چهره‌های مشهور و سلبریتی‌ها بود. این در حالی است که ابراهیم‌زاده چهره‌ای سرشناس، باسواد و تأثیرگذار در عرصه فرهنگ و هنر کشور محسوب می‌شد.

بی‌تردید سلبریتی‌ها می‌توانستند با حضور پرشور در این مراسم، وجهه فرهنگی خود را بیشتر به رخ بکشند، اما واقعیت تلخ آن است که ابراهیم‌زاده به دلیل عدم برخورداری از چشم‌آبی و اندام ورزیده، در نگاه سطحی امروز چندان مورد توجه قرار نگرفت. غافل از آنکه این هنرمند ارزشمند، علاوه بر خلق بازی‌های ماندگار در قاف تلویزیون و سینما و همچنین کارگردانی و بازی در تئاتر، مترجم کتاب مهم و سنگین ثروت ملل اثر آدام اسمیت نیز بود که نشان از عمق دانش و دغدغه‌مندی او دارد و وی را از یک بازیگر صرف به یک متفکر تبدیل می‌کرد.

ریشه‌یابی این غیبت شرم‌آور، ما را به بحران هویت و سطحی‌نگری در زیست‌بوم هنر و رسانه امروز رهنمون می‌سازد. امروزه مرز میان هنرمند و سلبریتی به کلی مخدوش شده است. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به جای ترویج هنر متعهد و اندیشه‌ورزی، متأسفانه به ترویج ظاهرگرایی، بدن‌های ورزیده و چهره‌های فتوژنیک پرداخته‌اند. در چنین اتمسفری، ارزش یک هنرمند نه با عمق دانش و کارنامه درخشان هنری‌اش سنجیده می‌شود، بلکه با تعداد فالوورها و جذابیت‌های ظاهری‌اش اندازه‌گیری می‌گردد.

ابراهیم‌زاده نماد نسلی از هنرمندان بود که هنر را با خرد درآمیخته بودند. خالی ماندن صحنه وداع او از حضور چهره‌های پرمدعای امروز، به وضوح نشان دهنده گسست عمیق میان نسل اصیل هنر این سرزمین و موج زودگذر شهرت‌های مجازی است. وقتی بهای هنر به ظاهر تقلیل می‌یابد، کاملاً طبیعی است که تشییع پیکر یک متفکر هنرمند در میان این هیاهو بی‌تماشاگر بماند. این غیبت تلخ، بیش از آنکه سوگ ابراهیم‌زاده باشد، مرثیه‌ای است برای هنر اصیل ایرانی که در هیاهوی ظاهرگرایی و شهرت‌پرستی گم شده است و جای تأسف است که جامعه هنری ما چنین سرمایه‌هایی را به سادگی از یاد می‌برد.